

دکتر عباسعلی تفضلی

دانشیار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

مسجد سازی در اندلس

چکیده

پس از براندازی بنی امیه به دست عباسیان، تنها فردی که با فرار خود به شمال آفریقا جان سالم به در برد، عبدالرحمن بن هشام بود که از آنجا به اندلس رفت و در آنجا دولت امویان اندلس را تشکیل داد. امویان اندلس، قرطبه را پایتخت حکمرانی خود قرار دادند و با ساخت پل‌ها و کاخ‌ها و مساجد بر وسعت آن افزودند و از آن پس به برتری فرهنگی و علمی شهرت یافت. قرطبه بر اثر حمله‌ها و نابسامانی‌ها به تدریج از قدرت افتاد و به صورت یک شهر معمولی در آمد و اشیلیه به وسیله‌ی بنی عباد، آباد شد و رونق گرفت.

یکی از آثارى که از آن دوره در قرطبه باقی مانده، مسجد قرطبه می‌باشد که به گستردگی و استحکام بنا و خوش ترکیبی شهرت داشت. این مسجد با همه‌ی تغییراتی که مسیحیان به قصد از بین بردن هویت و روحانیت اسلامی بر آن وارد ساختند، همچنان در و دیوار، مناره و محراب آن معرفت هویت واقعی آن است. جامع عمرین عریس در اشیلیه یکی دیگر از مساجدی است که در دوران امویان اندلس بنا گردیده که در سال ۱۲۴۶ میلادی به دنبال سقوط اشیلیه به دست فرناندوی سوم تبدیل به کلیسای سان سالوادر گردید.

مسجد باب المدوم در طلیطله با وجود کوچکی از معتبرترین مساجد اندلس پس از مسجد قرطبه محسوب می‌شود. این مسجد همانند کنیسه‌های بیزانسی، مربع شکل و به روش مخصوص طلیطله ساخته شده است. پس از باز پس‌گیری طلیطله این مسجد نیز به کنیسه تبدیل شد. مسجد مدینه الزهراء، مسجد دیگری است که الناصر برای شهرش مدینه الزهراء ساخت. دارای پنج تالار بود که تالار میانی وسیع‌ترین آنها بود، ارتفاع مناره‌اش، چهل متر و شبیه مناره‌ی امیر هشام در جامع قرطبه است. پس از روی کار آمدن مراپطین و موحدین، روش مسجدسازی به روش عربی که پیش‌تر در قیروان و قرطبه، معمول بود، استمرار یافت.

کلید واژه: مسجد امویان اندلس، قرطبه، مدینه الزهراء، ژیرالدا

مقدمه

دین مبین اسلام دینی جهانی است. هر چند در بدو ظهور، تنها مردم سرزمین عربستان به اسلام فرا خوانده شدند، اما این دعوت به کلمه وحدت استوار بود که عاملی مؤثر در اتحاد قبایل و طبقات اجتماعی پراکنده‌ی آن سرزمین، گردید. چند سالی از رحلت پیامبر(ص) نگذشته بود که قلمرو اسلامی از محدوده‌ی عربستان فراتر رفت و موج این گسترش ابتدا شام و عراق و ایران را در بر گرفت و سپس به شمال آفریقا و اندلس رسید. دولت اموی اندلس که به دست عبدالرحمن بن هشام که از قتل عام امویان به وسیله‌ی عباسیان جان به در برده بود، شکل گرفت، در تثبیت حکومت مسلمانان در اندلس تأثیر چشمگیری داشت و در دوران عبدالرحمن ناصر به اوج شکوفایی رسید. پس از این دوران بود که اختلاف موجود گروه‌های اجتماعی شدت یافت و منجر به تشکیل دولت‌های ملوک الطوایفی گردید. پاره پاره شدن اندلس، فرصت خوبی به دشمنان داد تا از این فرصت بهره‌برداری نمایند.

امرای طوایف که به ضعف خود پی برده بودند برای بقای خود دست کمک به سوی دولت‌های مسیحی شمال و برخی به سوی دولت مرابطان دراز کردند. مرابطان به تقاضای امیران ملوک الطوایف به اندلس وارد شدند و هر چند توانستند، برای مدتی از سقوط دولت اسلامی اندلس جلوگیری نمایند، ولی آنان را هم پس از مدتی سستی و فساد فرا گرفت. سپس نوبت به موحدان رسید آنان توانستند حدود هشتاد سال بر اندلس فرمانروایی کنند ولی بعد از شکست موحدان در نبرد العقاب مقاومت و نیروی مسلمانان دچار ضعف و سستی شد و اندلس اسلامی کم کم تحت سیطره‌ی مسیحیان درآمد و تنها به دولت اسلامی غرناطه محدود گردید. تا زمانی که دولت اسلامی غرناطه مدت دو قرن و نیم باقی بود، مسیحیان توانایی تعرض و فشار بیش از اندازه بر مسلمانان را که به عنوان مدجنین یا باشندگان شهرت یافتند، راه پیدا نکردند. در حقیقت وجود دولت اسلامی

غرناطه در اندلس، ضمانتی بود برای حقوق مسلمانان و حاکمان مسیحی که به تمام معنا مجبور به رفتار محرمانه با مسلمانان بودند.

با تمام گرفتاری و درگیری‌های حکومت اسلامی در اندلس از گسترش فرهنگ و هنر غافل نبودند و هر یک از حکمرانان و حاکمان وقت، آثاری ماندگار از خود به جای گذاشته‌اند که هنوز برخی از آن‌ها پا برجاست و خودنمایی می‌کنند.

قرطبه

قرطبه را به ضم اول و سکون دوم و ضم طاء و فتح الباء، گفته‌اند:

«قرطا یعنی شمشیر، و آن شهر بزرگی در اندلس، از میانه شهرهایش

است. پایتخت حکومت و قصبه‌ی آن است، محل حکمروائی خلفای بنی

امیه و جایگاه دانشمندان و برجستگان بود»^۱

ابن حوقل تاجر موصلی که حدود سال ۳۵۰ هجری به آن‌جا رفته است، می‌گوید: «بزرگ‌ترین شهر اندلس قرطبه است و در مغرب، از نظر زیادی جمعیت و آبادانی شهری مانند آن نیست...»^۲ این شهر به وسیله‌ی دیواری سنگی استحکام یافته و دارای دو دروازه در بارو بوده است. برخی معتقدند قرطبه از بناهای مردم کارتاژ می‌باشد. رومی‌ها در سال ۱۵۲ قبل از میلاد، قرطبه را فتح کردند و چندی دست به دست گشت تا مسلمانان آن‌جا را گشوده و آن را مرکز حکمرانی خویش ساختند. امویان با ساختن کاخ‌ها و پل‌ها و مساجد بر وسعت آن افزودند. مساحت اصلی شهر ۳۳۰۰۰ ذرع بوده و هفت دروازه داشته است ولی مسلمانان سی و یک کوی تازه در اطراف شهر سابق بنا کردند و در هر کوی، مسجدها و گرمابه‌ها و خانه‌ها و دکان‌ها ساختند تا آن‌جا که طول شهر و اطراف آن به ۲۴ میل و عرض آن به شش میل رسید.^۳

در عظمت قرطبه گفته‌اند که در سایه‌ی نور چراغ‌هایی که در امتداد کاخ‌ها و عمارات به هم پیوسته‌ی آن نصب شده بود، انسان می‌توانست تا ده میل راه مسافرت نماید و نیز گفته‌اند که شهر از یک طرف تا ۲۴ میل و از طرف دیگر تا شش میل وسعت یافته بود و تمام این فضا در ساحل رود وادی الکبیر از خانه‌ها و کاخ‌ها و مسجدها و باغ‌ها پوشیده بود.^۵

شهر قرطبه مدت پانصد سال پایتخت و مرکز حکومت مورها بود، شهری بزرگ که یک میلیون نفر جمعیت داشت شبیه به یک باغ بزرگ بود که شصت هزار کاخ و مقر و منزل پر شکوه و دویست هزار خانه در این شهر بود و هشتاد هزار مغازه و سه هزار هشتصد مسجد و هفتصد گرمابه‌ی عمومی داشت.^۶ حتی اگر برخی از این ارقام اغراق آمیز باشد، اما لاقفل تصویری از این شهر برای ما به وجود می‌آورد، که نشان دهنده‌ی عظمت آن ناحیه است.

عبدالرحمن اول که پایه‌های حکومت اموی را در اندلس پایه ریزی و استوار کرد قرطبه را پایتخت خویش نمود. به دوران هشام، پسر وی، قرطبه آبادی فراوان یافت و بناهای زیبا و باغستان‌های وسیع در آن پدید آمد.^۶

قرطبه از زمان فتح مسلمانان به برتری فرهنگی و علمی شهرت یافت (به داشتن کتاب و رو آوردن به علوم و ادبیات) شهرت آن در دنیا، در تمام قرون وسطی عالم‌گیر شد به طوری که به حق زیور دنیا و فخر جهان گردید.^۷

علیرغم چنین رونق و شکوفایی قرطبه بر اثر حمله‌ها و نابسامانی‌ها به تدریج از قدرت افتاد و در مقابل، اشبیلیه، به وسیله بنی عباد، آباد شد و پایتخت پادشاهان اندلس گردید و قرطبه خراب گشت و به صورت یکی از شهرهای متوسط درآمد.^۸

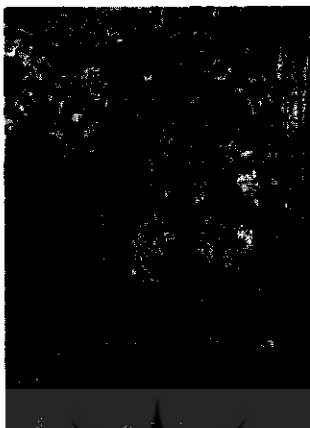
مسجد جامع قرطبه

مسجد قرطبه در امتداد دیوار شرقی قصر خلافت و شمال پل قرطبه است. بین این مسجد و کاخ بزرگ راهی به نام المحجّه العظمی (میان راه بزرگ یا کمربندی) کشیده شده است. جامع قرطبه با مساحت زیاد و استحکام بنا و خوش ترکیب و محکم به همت خلفای اموی ساخته و بارها بر آن افزوده شد تا به نهایت عظمت و اعجازی از زیبایی در مغرب و اندلس و مفاخری از مفاخر چهارگانه قرطبه گردید.

اهمیت مسجد قرطبه با ابعاد ۱۹ متر در ۱۴۰ متر که هنوز برکناره پلی در ساحل رود وادی الکبیر بر جا است، کمتر از مسجد جامع دمشق نیست. این مسجد نماینده قدرت و شکوه اسلام در قلب یک کشور مسیحی به شمار می‌رود. بنای این مسجد کار یک یا دو سلطان نیست بلکه در مدت دو قرن، سلاطین متعدد برای تزیین و تعمیر آن دست داشتند. این مسجد که بر اثر اضافات قرن شانزدهم، تغییر شکل یافته، هنوز یکی از جالب‌ترین و دل‌انگیزترین آثار معماری اسلامی به شمار می‌رود. بنای مزبور با وجود چهار بار توسعه پی در پی، یگانگی کامل ارزنده‌ای را در شیوه و سبک محفوظ داشته است.^{۱۰}

مسجد بزرگ قرطبه با همه تغییراتی که مسیحیان به قصد از بین بردن هویت و روحانیت اسلامی، بر آن وارد کرده و روا داشته‌اند، هم چنان در و دیوار، مناره و محراب آن هر بیننده‌ای را به هویت واقعی خود راهنماست. با وجودی که مسیحیان آن را از قرن ۱۶ میلادی مبدل به کلیسای بزرگ شهر (کاتدرال) کرده‌اند، و با تغییرات بسیاری که در آن شده، هم چنان آثار و ویژگی‌های عربی و اسلامی خود را حفظ کرده است، و نام آن نیز تا به امروز به اسپانیایی *la mezquita aljama* (مسجد جامع) است.^{۱۱}

قرطبه، منظره ی جانب غربی داخل مسجد واقع در امتداد کعبه



نویسنده‌ی کتاب البیان المُعرب فی اخبار الاندلس و المغرب می‌گوید:

«هنگامی که عبدالرحمن بن معاویه وارد اندلس شد و در قرطبه ساکن گردید، به فکر توسعه و استحکام بنای مسجدی شد که مسلمانان در ابتدای ورود بنائی در قسمتی از کنیسه ساخته و به عنوان مسجد استفاده می‌کردند. عبدالرحمن غیر مسلمانان قرطبه را فرا خواند و از آن‌ها خواست تا بقیه‌ی کنیسه را به آن‌ها بفروشند تا بر مسجد بیفزاید. او شروع به نابودی کنیسه‌ها کرد و بنای اصلی جامع در سال ۱۶۹ هـ شروع گردید و در سال ۱۷۰ هـ بنا و دیوارهای آن کامل شد».^{۱۲}

عبدالرحمن می‌خواست نقشه‌ی مسجد اموی دمشق را در آن پیاده کند؛ لذا ورزیده ترین مهندسان را فرا خواند و سنگ‌های ممتاز و ستون‌های استوار را از مناطق اندلس و حتی از خارج فراهم آورد. او همت فراوان به خرج داد تا مسجدش تحفه‌ی شایسته‌ی دولت او باشد. گفته می‌شود تا زمانی که زنده بود، حدود صد هزار دینار خرج کارهای ساختمانی آن کرد. عبدالرحمن پیش از آن که ساختمان مسجد را به پایان برد، از دنیا رفت

و فرزندش، هشام ساختمان آن را به پایان رساند. این مسجد، جالب توجه و زیباتر از مسجد اموی دمشق شد، اگر چه در نقوش، ورودی‌ها، گره‌ها و مناره، همانند آن بود.^{۱۳}

پسر عبدالرحمن، هشام اول که کارهای ساختمانی مسجد را به پایان رسانید، مناره‌ای هم بر آن افزود.^{۱۴}

این مسجد تا روی کار آمدن عبدالرحمن بن حکم با همان وضعیت ماند، سپس او با افزایش هشت دالان موازی قبله، شبستان مسجد را گسترش داد.

توسعه‌ی مسجد جامع قرطبه در دو مرحله انجام شد: در مرحله‌ی اول، دو رواق جدید افزوده شد، یکی در سمت شرقی و دیگری در سمت غربی. بدین گونه تعداد رواق‌های آن به یازده رسید. این توسعه در سال ۲۳۴ هـ ق (۸۴۸ م) بود. در این مرحله توسعه‌ی مسجد، عمقی بود و رواق‌های آن پس از انتقال محراب از محل قدیم به جایی دیگر (که با توسعه‌ی جدید متناسب باشد) در جهت جنوب گسترش یافت.^{۱۵}

نظارت بر توسعه و بنای جدید مسجد بر عهده‌ی بزرگ‌ترین معاونان و مرد مورد اعتماد عبدالرحمان بن حکم، غلام او، نصر بود. به نظر می‌رسد کارهای توسعه‌ی مسجد در زمان عبدالرحمن دوم به پایان نرسید؛ زیرا به هنگام وفات وی هنوز بخشی از تزیینات مسجد باقی بود، فرزند امیر، محمد، که به جای او نشست، آن را به پایان رساند.^{۱۶}

عبدالرحمن ناصر مطابق عادت اسلاف خود به مسجد قرطبه - که در آن روزگار، نخستین و مهم‌ترین مکان مقدس مسلمانان در مغرب اسلامی به شمار می‌رفت، اهتمام ویژه مبذول داشت. در سال ۳۴۰ هجری (۹۵۱ میلادی) مناره‌ی قدیم را منهدم کرد و به جای آن مناره‌ی جدید با ارتفاع بلندتر که به حدود ۷۳ ذراع می‌رسید، و عرض قاعده‌ی آن در هر یک از اضلاع چهارگانه، هیجده ذراع بود، ساخت^{۱۷} و بر فراز مناره‌ی جدید نیز سه قندیل انار مانند قرار داد که رمانه نامیده می‌شد که با آهن تعبیه شده بود و بالای آن از مس بود.

دو قندیل از جنس طلای ناب و سومی که در میان این دو قرار داشت از نقره خالص بود... در بالای این شمشه‌ها سوسنی شش پر از طلا بود و بر فراز آن رمانه کوچکی ساخته شده بود که این هم از جنس طلا بود.^{۱۸} عبدالرحمن نمای مسجد جامع قرطبه را نیز تجدید کرد و بر مساحت آن بیفزود تا شمار بسیار نمازگزارانی که پس از رشد و توسعه‌ی عظیم قرطبه و افزایش سریع جمعیت شهر، برای اقامه‌ی نماز به این مسجد می‌آمدند، بتوانند در آن جا می‌گیرند.^{۱۹}

در زمان حکم دوم (حکم مستنصر) با احداث دوازده دالان موازی قبله، باز هم به طول مسجد افزود.^{۲۰} نخستین دستور حکم به عنوان خلیفه، آن بود که جعفر بن عبدالرحمن صقلبی را مأمور کرد تا افزایش مساحت مسجد را مطالعه و بررسی کند و همچنین معماران و مهندسان را برای تعیین مکان و میزان افزایش و گسترش مورد نظر احضار کرد. مهندسان به توسعه‌ی مسجد از جانب قبله رأی دادند و مقرر کردند که به اندازه‌ی مساحت فعلی بر آن افزوده شود، چنان که در پایان عملیات توسعه، مساحت مسجد به دو برابر برسد.

آن گونه که از گزارش به دست آمده (که به خط مستنصر است) بر می‌آید، کارهای توسعه‌ی مسجد روز یکشنبه، چهار روز مانده از جمادی الثانی ۳۵۱ هجری^{۲۱} آغاز شد و چهار سال ادامه داشت. همین گزارش بیان می‌کند کارهای ساختمانی این توسعه در سال ۳۵۵ هجری قمری پایان یافت. این توسعه از زیباترین عملیات توسعه‌ی مسجد جامع قرطبه به شمار می‌رود؛ زیرا مساحت آن را به دو برابر افزایش داد و به علت هزینه‌ای که صرف آن کرد و به دویست و شصت و یک هزار و پانصد و سی و هفت دینار و یک و نیم درهم^{۲۲} می‌رسید و نیز احضار بهترین معماران و مهندسان ماهر، از نظر معماری و ساختمان بی‌نظیر بود.^{۲۳}

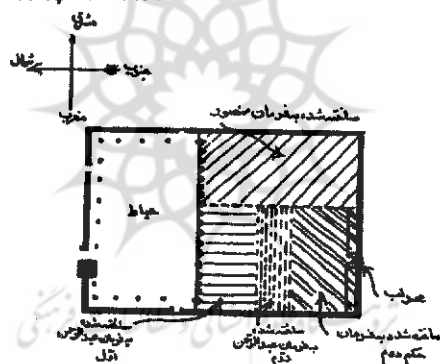
بالاخره در زمان حکومت هشام دوم، سردار و صدر اعظم او منصور با افزودن هشت دالان دیگر به موازات قبله، گسترش چشمگیری به مسجد داد، حیاط آن نیز به همان نسبت گسترش یافت.^{۲۴} منصور همانند حاکمان سلف خود اهمیاتی خاص و مداوم به

مسجد قرطبه داشت. او در جانب شرقی مسجد از شمال به جنوب، جناحی افزود. مساحت مسجد با این افزایش دو برابر شد. او در اتقان بنا و تزئین جناح جدید، با تبعیت و تقلید از بخش‌های قبلی، بسی مبالغه کرد.^{۲۵}

معماری مسجد جامع قرطبه

نقشه‌ی نخستین بنای قرطبه مستطیل شکل، با یک محراب و یازده شبستان سر پوشیده بود، شبیه طرح اصلی مسجد الاقصای بیت‌المقدس و طاق‌های نعلی شکل آن که مانند مسجد اعظم دمشق است، بر فراز شبستان‌هایی با سقف‌های گهواره‌ای قرار داشت.^{۲۶}

نقشه مسجد قرطبه در سده‌ی دهم برابر با قرن چهارم هجری



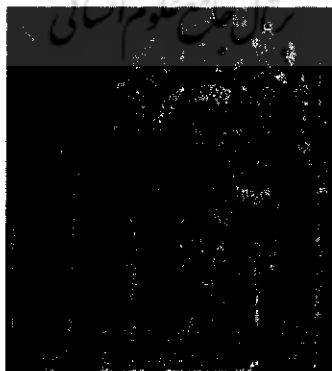
شکل بیرونی این مسجد مستطیلی و از سنگ‌های عظیم کنده کاری شده‌ی زیبا، همانند دژی محکم و عظیم ساخته شده است. سقف آن همانند روش بناهای اسپانیا با آجر ساخته شده بر خلاف بناهای شام که به صورت شیروانی و با صفحه‌های فلزی می‌ساختند. اهالی مغرب و افریقیه صفحه‌های فلزی را برای پوشش سقف در قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) به کار می‌بردند.^{۲۷}

در این مسجد تعدادی دهانه موازی و شبیه به هم در جهت شمالی - جنوبی برپا گردید و این سبک بعدها در اغلب مساجد آفریقای شمالی تعقیب گردید. باقی مانده‌ی

قوس‌های خارق‌العاده‌ی دو طبقه‌ای که یک در میان از آجر و سنگ ساخته شده و سقف چوبی را نگاه می‌داشتند، مربوط به همین عهد است و احتمال دارد از قوس‌هایی که در پل رمی به کار رفته است تقلید شده باشد. مشکلی را که قوس‌های مزبور آن را حل ساخته است، عبارتست از انطباق میان ستون‌های کوتاه عهد باستان با سقف مرتفع، آن چه که قبل از آن در دمشق با به کار بردن یک رشته قوس دو طبقه‌ای به انجام رسیده بود. شکل نعل اسبی قوس‌ها نیز که از آغاز در مراحل مختلف در معماری اموی به ظهور رسیده بود، در اسپانیا و آفریقای شمالی تا حد فراوان عمومیت یافت.^{۲۸}

گفته شده این مسجد که دارای نه دالان عمود بر قبله و یک دالان مرکزی وسیع‌تر است، از نقشه‌ی مسجد الاقصی پیروی کرده است. اما برش عمودی آن با دو طبقه ستون‌های سوار بر هم (که در این جا هر یک مستقیماً بر روی دیگری نهاده شده) به نمونه‌ی جامع دمشق شبیه است؛ ولی قوس‌های آن به شیوه‌ی دیر پای هنر ویزیگوتیک که در مغرب وجود داشته و اصولاً از آن جا نشأت گرفته، نعل اسبی و از نوع زینت شعاعی متناوباً سنگی، آجری قوس‌های بیزانسی است.^{۲۹}

قرطبه، نمای داخلی مسجد قرطبه
شاهکار دوره عبدالرحمن اول (۷۸۵ میلادی)



گوستاولوبون می‌گوید:

«یکی از کیفیات مخصوص این مسجد آن است که برای تعادل متناسب ارتفاع بنا با عرض فوق‌العاده آن، معمار را مجبور ساخته، طاق مسجد و شبستان را بر بالای دو ردیف ستون‌های مطابق قرار دهد و از این ضرورت، منظره‌ی داخلی مسجد را فوق‌العاده بدیع و حیرت‌انگیز کرده و قبل از این بنا، هیچ جای دیگر این نوع معماری دیده نشده و سابقه ندارد و مهمی نکته‌ی ظرافت معماری عربی در این مسجد در ترتیب ساختمان هلال‌های مطابق است که فاصله‌ی ستون‌ها و طبقات مختلف را به همدیگر مربوط و مستحکم ساخته است»^{۳۰}

به گفته‌ی حمیری:

«نیمی از مسجد سقف‌دار، و نیمی بساز است، دارای ۱۹ دهلیز بوده، قوس‌های بزرگ و کوچک هزار قوس بود و ۱۱۳ اشعله چلچراغ (آویز) برای روشنایی که بزرگ‌ترین آن‌ها هزار چراغ را در خود دارد و کوچک‌ترین آن‌ها ۱۲ چراغ دارد»^{۳۱}

شبستان یا تالار نماز این مسجد که یکی از زیباترین تالارهای نماز در دنیا است^{۳۲}، دارای یک هزار و چهار صد ستون مرمر است، این ستون‌ها محوطه‌ی شبستان را از درازا به نوزده و از پهنا به سی و سه ردیف تقسیم می‌کنند. در یک چنین شبستانی در زمانی تعداد چهار هزار و هفتصد چراغ سیمین از سقف آویزان شده بود که از چوب سرو آزاد ساخته و کنده کاری شده بود تا بتواند این سطح وسیع را در نور خویش روشن بسازد.^{۳۳}

قوس‌های نعل اسبی دندان‌دار و قاطع و سوار بر هم، بر روی ستون‌هایی که بیشتر آن‌ها از آثار قدیمی اندلس و آفریقایه می‌باشد، قرار دارد. این قوس‌ها بر روی ستون‌های

کشیده و بلند همانند پرواز پرنده‌ها در هوا ساخته شده در عین حال از سنگینی و وزن آن کاسته شده است و یا انبوهی از ساقه‌های درخت خرما را همانند جنگلی در صحرای جزیره‌العرب به نمایش گذاشته است. مساحت این سالن که ۸۵۰ ستون دارد، در یک سوم مساحت جامع، قرار گرفته است.^{۳۴}

محراب مسجد

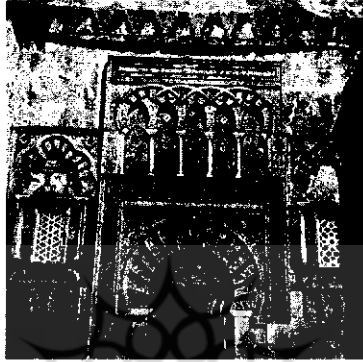
نعنی در کتاب دولت امویان در اندلس می‌نویسد:

«حکم مستنصر، مهندسانی را برای طراحی و ساخت محراب جدید استخدام کرد و ساخت گنبد زیبای آن سه سال به طول انجامید. برای کار گذاشتن فسيفساء (موزاییک، کاشی)، به درخواست حکم استادی چیره دست از بیزانس آمد. فسيفساءها (کاشی، موزاییک) را که ۲۲۰ قنطار (واحد وزن معادل ۴۰۰۰ دینار است) می‌شد، قیصر روم به مسجد جامع قرطبه هدیه کرده بود. این استاد جلوی محراب، دو گره چسبیده به آن و داخل گنبد میانی بالای محراب را با آن‌ها تزئین کرد. مسلمانان از وجود این استاد زبردست و ماهر رومی، در ساخت فسيفساء بهره‌هایی فراوان بردند. حکم برخی از غلامان خود را نزد او به کار گذاشت تا این هنر را از او فرا گیرند. غلامان حکم در این صنعت مهارت یافتند و از استادشان جلو زدند»^{۳۵}

محراب این مسجد از بدیع‌ترین آثار معماری است که برای عصرهای بعدی به یادگار گذاشته شده است. شکل اتاقک آن نامتعارف است و کتیبه‌های بی‌شمار آن، همه از آیات قرآن انتخاب شده به جای دیوار تو خالی یا به شکل نیم دایره‌ای معمول، به شکل اتاق یا سالن کوچک هشت ضلعی با قوس نعل اسبی بود. دیوارهایش با مرمر و گچ طلایی کنده کاری شده بود، انتهای پوشش مرمری به کتیبه‌ی کوفی با قطعه‌هایی حاشیه مانند

برجسته به خط کوفی ختم می‌شود، در این کتیبه به تاریخ پایان محراب در ذیحجه سال ۳۵۴ هجری اشاره شده است.^{۳۶}

محراب مسجد قرطبه مکه دوم اموی



در قسمت بالای محراب هفت قوس که طول هر کدام به اندازه‌ی قامت یک انسان است، به طور حیرت‌انگیزی روی ستونی بنا شده و در دو طرف محراب چهار ستون جالب دارد که دو تای آن به رنگ سبز و دو تای دیگر به رنگ لاجوردی است.^{۳۷}

محراب مسجد قرطبه دوره‌ی امویان اندلس



تزیینات محراب این مسجد از اشکال تزیینی گیاهی که اصل آن‌ها از هنرهای یونانی و رومی است. از خوشه‌های انگور گسترده و برگ‌های بادبزنی که تمامی آن‌ها به طور عمیق و یا کم عمق کنده‌کاری شده تشکیل یافته است.

اما نمای محراب به دو ناحیه اصلی تقسیم می‌شود. قسمت پایین عبارت از قوس نعل اسبی و دو باز و در طرفین با حاشیه می‌باشد. قسمت دوم بالای آن شامل حاشیه‌هایی با قوس‌های کور تزیینی ستون دار که با کاشی‌های زیبایی پوشیده شده است، می‌باشد. تزیینات آن مشبک گونه‌ی گچی و مرمری و سنگی می‌باشد.^{۳۸}

تزیینات روی دیوار، با اشکال هندسی، گره کاری و قوس‌های متقاطع با آجر، مرمر و گچ همراه کتیبه‌ای



مقصوره

حکم مستنصر در توسعه‌ای که به مسجد داد، مقصوره‌ای تازه از چوب ساخت که داخل و خارج آن منقوش بود و بالای آن گنبدی قرار داشت که به شیوه‌ی گنبد‌های بیزانسی ساخته شده بود.^{۳۹}

مقصوره با سه قوس بالای هم پوشیده شده که طول آن به $36/5$ متر و عرض به 11 متر و ارتفاعش به چهار متر می‌رسید. از چوب منقوش ساخته شده، بر بالای آن پنجره‌هایی

تعبیه شده است و دارای سه در بوده که از جهات شرقی و غربی و شمالی به جامع راه می‌یافت.^{۴۱}

منبر

حکم مستنصر در کنار محراب، منبری از چوب صندل قرمز و زرد و آبنوس، عاج و عود هندی ساخت.^{۴۱} این منبر از سی و شش هزار قطعه عاج و چوب‌های نفیس ساخته شده و با جواهرات و سنگ‌های قیمتی که با میخ‌های طلا بر آن نصب شده بود تزیین کرده بودند.^{۴۲} به گفته‌ی مقرئ «براس ساختن این منبر، ده هزار و پنجاه مثقال طلا خرج شد».^{۴۳}

گنبد

گنبد اصلی این مسجد در جلو محراب به وسیله‌ی یک هشت ضلعی بر پایه‌ی سکنج نگه داشته ولی هشت تویزه (باریکه طاق‌های باربری که زه مانند میان طاق‌ها با فاصله زده می‌شود) بزرگ با تکیه بر ستون‌هایی باریک و کوچک، مناسب فضای بین جوانب هشت ضلعی را تحمل می‌کند. بنابراین پایه‌ی کوتاه شده و شکلی گیج کننده پیدا کرده که با بیست و چهار تویزه متحدالمرکز پوشیده از موزاییک به وجود آمده است^{۴۴} و در سال ۳۵۴ هجری ساختن گنبد محراب به پایان رسید.^{۴۵} کف مسجد با یازده تخته سنگ، فرش شده بود که عرض بقیه هر کدام حدود ۵/۵ متر می‌باشد.^{۴۶}

این مسجد ۲۱ در ورودی داشت که از نقره و برنج ساخته شده بود.^{۴۷} حکم مستنصر، آب را از چشمه‌ای در کوه قرطبه و در آب راه‌های مهندسی ساخت محکم که برای جلوگیری از آلودگی آب، لوله‌های سربی در داخل آن تعبیه کرده بود و به سقاخانه‌ها و وضوخانه‌های دوگانه مسجد آورد^{۴۸}، که شب و روز یکسره از فواره‌های اطراف حوض مسجد، آب ریزش می‌کرد.^{۴۹}

مناره

در جهت شمالی مسجد مناره‌ی شگفت‌انگیز و زیبا و بلند قامت ساخته شده است. ارتفاعش از روی زمین ۱۰۰ ذراع است که ۸۰ ذراع تا مآذنه و ۲۰ ذراع قسمت بالای آن می‌باشد. از دو راه پله می‌توان بر بالای آن رفت، یکی از طرف غربی و دومی از شرق^{۵۰}. گلدسته‌اش به شکل مربع ساخته شده و به سنگ‌های قیمتی آراسته شده بود، ارتفاع آن تا جای مؤذن به ۲۷ متر می‌رسید و ارتفاع نهایی اش ۳۷/۵ متر بود^{۵۱}.

بیرون بنا با درون آن تضاد دارد ولی به هر حال بیشتر احساس سکون و ثبات را می‌رساند. درها نسبت به دیوارها برجسته نمی‌نماید و تزیینات آن‌ها بیشتر حکم نقش دارد و اجزاء و عناصر تشکیل دهنده در به شمار نمی‌رود. پشت بندهای در مسجد که برج‌های برجسته‌ی قصرهای اموی را به یاد می‌آورد و نظیر آن‌ها به صورت هماهنگ و یک شکل به دیوار متصل شده است، جزء قسمت اصلی و وابسته به بنا نیست و نقشی جز عامل نگه دارنده به عهده ندارد^{۵۲}.

مسجد قرطبه به رغم پلان آشفته و نامنظم، اثری بسیار خارق‌العاده و شواهدی برای نبوغ معماران اسلامی در ترکیب کامل معماری و تزیین آن است. معماران سده‌ی چهارم هجری (دهم میلادی) خلیفه حکم، اشکال معماری و تزیینی را متحول ساختند، هم چون بناهای سامرا و قیروان، عمارت ستون‌دار را نظمی نو و اهمیتی در خور بخشیدند. یعنی نمایش دیدنی از قوس‌ها و گنبد‌ها بر روی ستون‌های نازک و بی اهمیت که به هر حال از ویژگی‌های معماری اسپانیایی اسلامی شمرده می‌شد^{۵۳}. با وجود تبدیل این مسجد به کلیسای جامع، محراب‌هایی در همه‌ی طول دیوارهای جانبی و حتی در برابر بخشی از دیوار قبله ساخته شده بود. اگر این تبدیل‌ها یعنی کلیسا شدن مسجد، اسف‌انگیز باشد، در عوض مسجد را از ویرانی مصون داشته و حفظ آن را در شرایطی بسیار خوب تضمین کرده است^{۵۴}.

جامع عمر بن عدبس در اشبیلیه

اکنون از این مسجد چیزی جز صحن و قسمت کمی از مناره باقی نمانده است. با این وجود، همین آثار کم دارای اهمیت بسیاری هستند، زیرا به طور کلی از جنبه‌های مختلف به چگونگی معماری اموی پی می‌بریم.

امیر عبدالرحمن الاوسط به قاضی اش عمر بن عدبس در سال ۲۱۴ هجری (۸۲۹-۸۳۰ م) دستور ساختن این مسجد را داد.

تاریخ ساختن این مسجد به خط کوفی بر بدنه‌ی یکی از ستون‌های مرمری که اکنون در موزه آثار ملی اشبیلیه نگهداری می‌شود، نوشته شده است.

این جامع از جامع عبدالرحمن الداخل متمایز است زیرا هیچ گونه اضافاتی نداشته است بلکه به همان مساحت اولیه مانده است. به طوری که پس از گذشت سه قرن از ساختن آن، مسجد جوایگوی جمعیت نمازگزاران نبود. موحدین مسجد بزرگی در قصبه اشبیلیه علاوه بر مسجد جامع ابن عدبس ساخته‌اند، این مسجد از نظر کلی و تعداد دالان‌ها مشتمل بر یازده دالان عمود بر دیوار قبله می‌باشد که دالان میانی وسعت و ارتفاع بیشتری دارد.^{۵۵}

دیوار قبله حدود ۴۸ تا ۵۰ متر طول دارد. مناره‌ی این مسجد در میانه دیوار شمالی قرار دارد، این مناره از بیرون مربع شکل و از داخل دایره ایست. طول هر ضلع آن به ۵/۸۸ متر می‌رسد. با وجود این، ترتیب ساخت آن به روش مناره‌های قرطبه‌ی دوران امیر عبدالرحمن الاوسط می‌باشد، مانند مناره «سان خوان» و مناره «سانتا کلارا» (بین مرکز ستون‌ها و دیوار خارجی پلکانی به عرض ۸۰ سانتی متر ساخته شده است). این مناره با سنگ‌هایی که از سور قدیم رومانی در هنگام تخریب شهر به دست مسلمانان ساخته شده است، که از روی سنگی منقوش به خط لاتین پیداست که از آثار روم باستانی می‌باشد به دنبال حمله‌ی نورماندی‌ها به جامع ابن عدبس آسیبی وارد شده در سال ۲۳۰ هجری (۸۴۴

میلادی) و در سال ۴۷۲ هجری (۱۰۷۹ میلادی) بر اثر زلزله‌ی خفیفی قسمت بالای مناره آسیب دیده و معتمد عباد ظرف یک ماه آن را ترمیم کرد.

جامع ابن عدبس به دنبال سقوط شهر اشیلیه به دست فرناندوی سوم در سال ۱۲۴۶ میلادی تبدیل به کنیسه‌ی سان سالوادر san Salvador گردید. به سبب زلزله برای دومین بار مناره در ۲۴ آگوست سال ۱۳۵۶ میلادی آسیب بدنی دید و قسمت بالایی آن تخریب شد و به جای آن ناقوس‌ها ساخته شد. از مناره‌ی اسلامی جز ۹/۵ متر بیشتر باقی نمانده است در سال ۱۶۷۱ میلادی مسجد تخریب شد و به جای آن کنیسه‌ی سن سالوادر که سال ۱۷۱۲ میلادی بنایش پایان یافت، ساخته شده است.^{۵۶}

مسجد باب المردوم در طلیطله

این مسجد با وجود کوچکی مساحتش یکی از معتبرترین مساجد اندلس پس از جامع قرطبه به خاطر حفظ گنبد‌های نه گانه‌ی آن به شمار می‌رود که نشان دهنده‌ی مراحل تطور گنبد‌های جامع قرطبه است. این مسجد امروزه به نام مردوم bib mardon منسوب به باب مجاورش که تاکنون برجاست، خوانده می‌شود بر بالای دیوار جامع کنیسه‌ای بر روی قطعه‌های آجری برجسته که بین دو ردیف آجر دندان‌های برجسته بدین مضمون ساخته شده است «بسم الله الرحمن الرحيم اقام هذا المسجد احمد بن حدیدی من ماله ابتغاء ثواب الله، فتم بعون الله علی یدی موسی بن علی البناء و سعاده. فتم فی المحرم سنه تسعین و ثلاثمانه»

(به نام خدا این مسجد را احمد بن حدیدی از مال شخصی به خاطر ثواب ساخت به یاری خداوند به دست موسی بن علی، بنا که سعادت‌مند گردید در محرم سال ۳۹۰ هجری به پایان رسید.) ابن احمد پسر حدیدی در آن زمان قاضی طلیطله و فردی از خانواده‌ی معروف این شهر بود و وزارت روزگار اسماعیل بن ذوالنون پادشاه طلائله را به عهده داشت.

کار ابن حدیدی مذکور با کشته شدن یحیی بن ذوالنون در طلیطله به دست القادر بالله (۴۶۷-۴۷۲ هجری) به پایان رسید.

مسجد بر اساس کنیسه‌های بیزانسی مربع شکل و به طول حدود هشت متر و دیوارهایش از سنگ گرانیب و آجر به روش مخصوص طلیطله ساخته شده است، پس از باز پس‌گیری طلیطله این مسجد به کنیسه تبدیل شد. از طرف شرق قسمتی به سبک مدجّنین^{۵۷} ساخته شد و بر آن اسم سانتا کروتو *santa cruz* اطلاق می‌شد و آلفونسوی دوم آن را به یکی از جمعیت‌های دینی بخشید و امروزه به نام *el cristo dela luz* معروف شده است.

این مسجد از سه رواق طولی قاطع و سه رواق عرضی تشکیل یافته به طوری که در این تقاطع، نُه ستون به کار برده شده است و بین آن‌ها چهار ستون با سر ستون‌های گوتیکی باستانی فاصله است به طوری که از آن، دوازده قوس به شکل نعل اسب شکل گرفته است.

بر روی ستون‌ها، نُه گنبد ساخته شده که از تقاطع آن‌ها، قوس‌هایی همانند گنبد‌های قرطبه به وجود آمده است، ارتفاع قوس میانی بلندتر از دیگر قوس‌هاست.

در کنار مسجد سه گانه، آثار مسجد جامعی در تطیله *tudela* باقی مانده است این آثار عبارتند از پایه‌ها و ستون‌های درهم و قوس‌هایی درهم شده به شکل نعل اسب و سر ستون‌هایی شامل شاخه، برگ‌ها در نهایت زیبایی و شکوه و لوحی سنگی شبیه به پایه‌ی درهای ورودی پوشیده با تزیینات هندسی درهم ریخته شده است.^{۵۸}

مسجد مدینه الزهراء

الناصر مسجدی برای شهرش ساخت که هر روز در ساختن آن بیش از هزار نفر مشغول کار بودند، ۳۰۰ نفر بنا و ۲۰۰ نفر نجار و ۵۰۰ نفر کارگر و تعدادی از سایر صنعت‌گران و هنرمندان، بنای آن در مدت ۴۸ روز به پایان رسید که از ۵ تالار تشکیل شده بود،

تالار میانی وسیع‌ترین آن‌ها بود. صحن مسجد با مرمر چخماقی فرش شده بود و فواره‌ای با آب جهنده در میان داشت ارتفاع مناره ۴۰ متر و شبیه مناره امیر هشام در جامع قرطبه، اما منبر این جامع در کمال زیبایی ساخته شده و با چوب مقصوره‌ای به دورش ساخته شده بود.^{۵۹}

روش معماری مساجد در دوره مرابطن و موحدین

روش مسجد سازی دوره‌ی مرابطن تحت تأثیر سبک‌های معماری اسلامی معمول در بیرون سرزمین مغرب قرار نگرفت. نقشه‌ی مسجد در این دوره به روش عربی که پیش‌تر در قیروان و قرطبه معمول شده بود، استمرار یافت. نقشه‌ای که عبارت بود از یک صحن داخلی با رواق‌هایی و یک ایوان پهن بلند که به طرف قبله و عمود بر رواق قبله بود آن را در بر می‌گرفت.^{۶۰} جنبش مسجد سازی در دوره‌ی موحدین رونق گرفته بود. تغییری که در دوره‌ی موحدین یافت، تبدیل ستون‌ها به جرزهای آجری با قوس‌های دنداندار و قوس‌هایی به شکل نعل اسبی با دور کامل یا کمی شکسته یا آویزه‌ای بود. گاهی مناره‌ای در صحن میانه‌ی ضلع جهت قبله ساخته می‌شد. بیشتر اوقات مناره از آجر به شکل مربع القاعده با پنجره‌هایی بر بالا و در قسمت بالاتر، برج مربع شکل کوچکی با گنبد کوچکی بر روی آن ساخته می‌شد. با این که برخی مسجدهای اسلامی چند مناره‌ای هستند ولی در مسجدهای مغربی تنها یک مناره ساخته می‌شد.^{۶۱}

معروف‌ترین این مناره‌ها، مناره‌های سه مسجد رباط، اشبیلیه و مراکش هستند که از بناهای کهن مربع شکل شمرده می‌شوند.^{۶۲}

اندلسیان پس از خاتمه‌ی کار مسلمین در اندلس کلیه‌ی مناره‌های مساجد اسلامی را سرنگون ساختند و فقط از میان آن‌ها برج معروف به ژیرالدا (جیرالدا) در اشبیلیه باقی مانده که از ابنیه‌ی قرن دوازدهم میلادی است، ولی به طور یقین می‌توان گفت که همه مناره‌ها مانند این گلدسته مربع شکل بوده است.^{۶۳}

در این مناره تقسیم بندی هنرمندانه تزیینات و هم چنین ترکیب زیبایی که در طول مناره به شکل موازی عمودی با طرح پیچکهای گیاهی و چهار طبقه پنجره صورت گرفته، قابل توجه است.

ژیرالدا

جیرالدا *giralda* این برج مربع شکل در ۱۱۸۴م ساخته شده و اندازه‌ی هر ضلع آن ۱۴/۸۵ متر و ارتفاع آن بیش از ۷۴ متر است. در رأس آن قاعدتاً مشکاتی (جاچراغی) بوده است که به جای آن در سال ۱۵۶۸م یک ناقوس نهادند با یک پیکره‌ی بزرگ برتری به نام «ایمان»، بر فراز آن پیکره‌ای که با کمترین باد به دور خود می‌چرخید ساختند و از این رو «ژیرالدا» نامیده می‌شود. ارتفاع برج اکنون به ۹۷/۵۲ متر می‌رسد، پلکانی در اصل طاق‌دار، که به دو سوار اجازه می‌داد شانه به شانه از آن بالا روند، به ایوان مناره که در ارتفاع هفتاد متری است منتهی می‌شود.^{۶۵}

بنا به روایات، ژیرالدا در اشبیلیه تماماً ساخت دست معماری به نام گور *gueure* از اهالی اشبیلیه می‌باشد. قسمت ژیرالدا که امروزه به عنوان برج ساعت کلیسا از آن استفاده می‌شود توسط هرنان رویز در سال‌های ۶۸-۱۳۶۰ میلادی به روش مشخص دوره‌ی رنسانس تزیین شده است.^{۶۶} این برج که از آجر قرمز ساخته شده به برج بلند میدان سن مارک در شهر ونیز و بسیاری از مناره‌های مساجد آفریقا شباهت کامل دارد. نمای خارجی آن از گچ‌بری و حجاری‌های برجسته و درهم، پوشیده شده و در هر طرف آن چند ردیف پنجره ظریف باز شده که بعضی از آن‌ها به شکل قوس‌های چتری و برخی دیگر به سبک طاق‌های شکسته و دندانه‌دار است. در بالای این گلدسته، گنبد گوی مانندی از فلز زرانودود شده، قرار داشت که بعدها مسیحیان آن را برداشتند و جای آن مجسمه‌ای - که نشان مسیحیت است - نصب کردند.^{۶۷}

نتیجه‌گیری

با ورود امویان اندلس (اسپانیای امروزی)، حکمروایان مسلمان برای نشان دادن قدرت و برگزاری مراسم عبادی و گاه سیاسی، طبق معمول مساجدی به عنوان پایگاهی برای حکومت خود برپا داشتند. در ابتدا روش معماری این بناها بیشتر تحت تأثیر سنت‌های محلی قرار داشت، با روی کار آمدن دولت‌های مرابطین و موحدین، روش مسجد سازی صرفاً تحت تأثیر سبک‌های معماری اسلامی معمول در سایر سرزمین‌های اسلامی که پیش‌تر در قیروان و قرطبه رواج داشت، واقع گردید. ولی به هر حال تلاش مسجدها و سایر بناها، توسط حکمروایان اسلامی در اندلس، با روی کار آمدن مسیحیان و زوال حکومت‌های اسلامی رونق خود را از دست داد. به ویژه این که مسیحیان با تغییرات بسیاری در این مسجدها آن‌ها را تبدیل به کنیسه (کلیسا) نمودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

- ۱- حموی، یاقوت، معجم البلدان، ذیل کلمه قرطبه.
- ۲- همان جا.
- ۳- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ص ۹۸۵.
- ۴- آیتی، محمدابراهیم، اندلس، ص ۹۲.
- ۵- ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ص ۳۲؛ ima,uddin, a political history of muslim spain, 165.
- ۶- ابراهیم، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۱۷؛ robinson Islamic world, 26.
- ۷- بیوت الله، مساجد و معاصر، ص ۷۸.
- ۸- حموی، معجم البلدان، ذیل کلمه قرطبه.
- ۹- چهار مفاخر قرطبه: پل وادی الکبیر، جامع، الزهراء، علم و دانش آن بود؛ سالم، قرطبه حاضره الخلافه فی الاندلس.
- ۱۰- هوگ، ج، هنر و معماری در سرزمین های اسلامی، ص ۳۷؛ وزیری، تاریخ عمومی هنرهای مصور، ۱/ص ۲۲۹.
- ۱۱- آل علی، اسلام در غرب، ص ۱۵۲؛ دوپولو پاپا، معماری اسلامی، ص ۲۴۱.
- ۱۲- ابن عذاری، ص ۲۲۹؛ ر.ک وات، اسپانیای اسلامی، ص ۸۹؛ هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۵۲۴.
- ۱۳- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۱۵۰.
- ۱۴- دوپولو، معماری اسلامی، ص ۲۴.
- ۱۵- ابن عذاری، بیان المغرب، ص ۲۲۹.
- ۱۶- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۲۲۶.
- ۱۷- همان، ص ۳۴۳.
- ۱۸- المقری، نفع الطیب، ۱/۵۶۳.

- ۱۹- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۳۴۳.
- ۲۰- دوپولو، معماری اسلامی، ص ۲۴۰.
- ۲۱- ابن عذاری، بیان المغرب، ص ۳۵۹.
- ۲۲- همان جا.
- ۲۳- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۳۶۸.
- ۲۴- دوپولو، معماری اسلامی، ص ۲۴۱.
- ۲۵- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۴۱۹.
- ۲۶- رایس، تالبوت، هنر اسلامی، ص ۸۶؛ ر.ک عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ص ۲۱۵.
- ۲۷- وجدان، سلسله التعریف، ص ۱۸۴.
- ۲۸- هوگ، سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی، ص ۳۷.
- ۲۹- ایگناسیو؛ هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اروپا، ص ۴۱۰.
- ۳۰- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۹۸.
- ۳۱- روض المعطار، ص ۱۵۳.
- ۳۲- ایرام لاپیروس، تاریخ جوامع اسلامی، ص ۵۰۱؛ مطالعات فرهنگی
- ۳۳- هونگه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۵۵۴.
- ۳۴- وجدان، سلسله التعریف، ص ۱۸۴.
- ۳۵- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۳۶۹.
- ۳۶- ر.ک وجدان، سلسله التعریف، ص ۱۸۶.
- ۳۷- محمدی، سیمای اندلس، ص ۱۰۶.
- ۳۸- نایف وجدان علی، سلسله التعریف، ص ۱۸۷.
- ۳۹- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۳۶۹.
- ۴۰- وجدان، سلسله التعریف، ص ۱۸۷.

- ۴۱- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۳۶۹ .
- ۴۲- آل علی، اسلام در غرب، ص ۱۵۳ .
- ۴۳- مقرئ، نفع الطیب، ص ۵۵۹ .
- ۴۴- اتینگهاوزن، هنر و معماری اسلامی، ص ۱۷۷ .
- ۴۵- بیوت الله، ص ۱۵۹ .
- ۴۶- آل علی، اسلام در غرب، ص ۱۵۳ .
- ۴۷- همان، همان جا .
- ۴۸- نعنعی، دولت امویان در اندلس، ص ۳۶۹ .
- ۴۹- محمدی، سیمای اندلس، ص ۱۰۷ .
- ۵۰- حمیری، روض المعطار، ص ۱۵۳ .
- ۵۱- وزیری، علی نقی، تاریخ عمومی هنرهای مصور، ص ۵۰۴ .
- ۵۲- Grabber, Formation of Islamicart, 108 .
- ۵۳- اتینگهاوزن، هنر و معماری اسلامی، ص ۲۴۱ .
- ۵۴- رک دوپولو، معماری اسلامی، ص ۲۴۱؛ حتی، تاریخ عرب، ص ۷۶۰ .
- ۵۵- سالم، تاریخ المسلمین، آثارهم فی الاندلس، ص ۴۰۰ .
- ۵۶- سالم، تاریخ المسلمین، ص ۴۰۰ .
- ۵۷- مدجنین: اصطلاحی است برای مسلمانان اسپانیا پس از فتح آنجا به دست مسیحیان و نیز به سبک معماری و تزیینات اسپانیایی پس از آن، که به شدت تأثیر هنر اسلامی در آن نمودار است، گفته می‌شد.
- ۵۸- رک سالم، تاریخ المسلمین، ص ۴۰۲؛ رک میراث اسپانیای مسلمان زیر نظر سلمی خضرا جیوسی، ص ۳۹ .
- ۵۹- سالم، تاریخ المسلمین، ص ۴۰۹ .
- ۶۰- علام، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ص ۲۳۰ .

61 - hillen brand, Islamic architecture, 450

62 - اتینگها وزن، هنر و معماری اسلامی، ص ۱۸۱ .

63 - لوبون، تاریخ و تمدن اسلام و عرب، ص ۷۰۰.

64 - دوپولو، معماری اسلامی، ص ۲۴۴.

65 - دوری، هنر اسلامی، ص ۱۲۱.

66 - محمدی، سیمای اندلس، ص ۱۱۲.

منابع و مأخذ

- آل علی، نورالدین، اسلام در غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- آیتی، محمد ابراهیم، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اسپانیا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ هجری.

- ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶ هجری.

- ابن عذاری مراکشی، بیان المغرب فی اخبار الاندلس، لیدن، بریل، ۱۹۴۸-۱۹۵۱ م.

- اتینگهاوزن، ریچارد، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۸ هجری.

- ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات مسلمین در اروپا، ترجمه محمد علی دوانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ هجری.

- ایرام لایروس، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۶ هجری، جلد اول.

- ایگناسیو اولاکونه، هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اروپا، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر شباویز، ۱۳۶۵ هجری.

- بیوت الله، مساجد و معاهد، کتاب الشعب ۷۵، ۱۹۶۰ میلادی.

- جیوسی، سلمی خضراء، میراث اسپانیای مسلمان، ترجمه عبدالله عظیمائی، مشهد: آستان قدس، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰ هجری .
- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶ هجری.
- حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت-لبنان داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ/۲۳۶۶ش.
- حمیری، ابو عبدالله محمد، روض المعطار فی خبر الاقطار، تحقیق احسان عباس، لبنان-بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۴۸ میلادی.
- دوپولو، پاپا، معماری اسلامی، ترجمه دکتر حشمت جزئی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸ هجری.
- دوری، جی کارل، هنر اسلامی، ترجمه رضا بصیری، انتشارات یساولی، فرهنگسرا، ۱۳۶۳ هجری.
- رایس، تالبوت، هنر اسلامی، ترجمه ملک بهار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ هجری.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ المسلمین، آثارهم فی الاندلس، بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۴۰۸ هجری/۱۹۹۸ میلادی.
- الصدیق بن العربی، المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، بیروت: دارالغرب اسلامی، دارالثقافه، ۱۳۶۳ هـ/ش ۱۴۰۴ هـ.ق.
- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۶۶ هجری.
- گروبه، ارنست، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶ هجری.
- لویون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه فخر داعی گیلانی، تهران: بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۴ هجری.

- محمدی، سیمای اندلس شکوه تمدن اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۶هجری.
- المقری، احمدبن محمد، نفع الطیب، بی جایی نا، بی تا.
- متگومری، وات، اسپانیای اسلامی، ترجمه محمد علی طالقانی، تهران: نشر یلدا، ۱۳۷۱هجری.
- نایف، وجدان علی، سلسله التعریف بالفن الاسلامی، دارالبشیر، بی تا.
- نعمتی، عبدالمجید، دولت امویان در اندلس، ترجمه محمد سپهری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰هـ.
- وزیری، علینقی، تاریخ عمومی هنرهای مصور قرون وسطی و دوران اسلامی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- هوگ، ج، هنر و معماری در سرزمینهای اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸هجری.
- هونکه، زیگرید، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳هجری.
- Grabber, oleg.D. Formation of Islamic art, vali, university press. New havean and London 1987.
- Brand, Hilan. Islamic Architecture Edinburgh university press 1994.